

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۷، ۱۹-۳۸

نقد کتاب

دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی

هادی امیری*

وحید مقدم**

چکیده

مکتب انتخاب عمومی در اقتصاد را می‌توان کاربرد تحلیل اقتصادی در حوزه سیاست دانست که به‌تازگی در حال بازکردن جای خود در محافل دانشگاهی کشور است. مهم‌ترین یافته این مکتب را باید اثبات وجود شکست دولت در تنظیم بازار (نبود دست مرئی خیرخواه در دولت) دانست. کتاب [فهم] دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی نوشته پاتریک گانینگ (Gunning 2003) و ترجمه حسین ربیعی در سال ۱۳۹۳ ش از سوی انتشارات دنیای اقتصاد راهی بازار شده است. این کتاب ساده و روان و تاحدی جامع هم به مباحث بنیادین انتخاب عمومی، مثل اقتصاد قانون اساسی، و هم به مباحث کاربردی انتخاب عمومی، مانند خصوصی‌سازی می‌پردازد. نتیجه اصلی کتاب این است که در مکانیزم‌های سیاسی مبتنی بر دموکراسی، نه فقط دولت (بدون تمهید تنظیمات نهادی) در رفع مشکلات بازار شکست می‌خورد، بلکه این شکست‌ها از شکست‌های بازار سخت‌تر و پرهزینه‌ترند. این کتاب اگرچه در زبان انگلیسی چندان معروف نیست، در بین کتب فارسی معدود در حوزه انتخاب عمومی جایگاه قابل‌قبولی دارد که شاید همین امر موجب دو ترجمه متفاوت از کتاب شده است. هرچند ترجمه اخیر مشکلات زیادی دارد و بازبینی ترجمه و ویرایش مجدد آن برای چاپ‌های بعد الزامی است.

کلیدواژه‌ها: انتخاب عمومی، جان پاتریک گانینگ، دموکراسی، مرور کتاب.

* استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، h.amiri@ase.ui.ac.ir

** دانش‌آموخته اقتصاد و استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت، دانشگاه اصفهان

v.moghadam@ahl.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

۱. مقدمه

انتخاب عمومی (انتخاب دیوانی) به دنبال کاربرد نظریه‌ها و روش‌های دانش اقتصادی برای تحلیل رفتار سیاسی است، درحالی‌که در سابق این حوزه انحصاراً در اختیار سیاست‌دانان و جامعه‌شناسان سیاسی قرار داشت. این حوزه از دانش اقتصاد دست‌کم در حدود نیم قرن پیش با مطالعات دونکان بلاک، جیمز بوکانان، گوردون تالوک، و منکور اولسون تأسیس شد و مطالعه فرایندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک را کاملاً متحول کرد.

این حوزه از دانش اقتصاد پس از آن توسعه بسیاری داشت و مطالعات نظری و تجربی متعددی در مورد مکانیزم‌ها و موضوعات سیاسی از جمله انتخابات، قانون اساسی، قانون‌گذاران، کارگزاران، رانت‌جویی، گروه‌های هم‌سود، بوروکراسی، دیکتاتوری، اندازه و قبضه دولت، و چرخه‌های تجاری سیاسی انجام گرفته است.

برگزاری انتخابات متعدد در ایران و توجه بسیار رأی‌دهندگان به رفتار تبلیغاتی کاندیداها، گروه‌های طرف‌دار آن‌ها، وعده‌های انتخاباتی، رفتار آن‌ها پس از انتخاب‌شدن یا انتخاب‌نشدن، و با ناکارآمدی به نظر رسیدن نظریه‌های رایج دانش سیاست (که سیاست‌مداران را انسان‌هایی خیرخواه و دنباله‌رو منافع عمومی تصویر می‌کند)، موجب اقبال به این حوزه در محافل دانشگاهی ایران شده است. با وجود توجه به این مباحث در دوره‌های دکتری اقتصاد از سه دهه پیش به این سو، از حدود یک دهه قبل کتبی در این زمینه به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و البته به علت نوپا بودن نسبی و توسعه نظری سریع آن، فقط چند کتاب با موضوع انتخاب عمومی به زبان فارسی ترجمه و تألیف شده است. افزون‌براین، در اغلب کتاب‌های اقتصاد بخش عمومی، که با رویکرد نوین نوشته شده‌اند، چند فصل معدود به مباحث این حوزه اختصاص داده شده است.

کتاب ترجمه‌شده به ترتیب تاریخ ترجمه و تألیف عبارت‌اند از جمسی و دیگران (۱۳۸۴)؛ گانینگ (۱۳۸۴) (ترجمه رنانی و خضری)؛ سرزعی (۱۳۸۹)؛ باتلر (۱۳۹۱)، گانینگ (۱۳۹۳) (ترجمه حسین ربیعی)؛ و مولر (۱۳۹۵). کتاب‌هایی نیز در دسترس است که فقط در بخش‌هایی از آن به انتخاب عمومی پرداخته‌اند و مدنظر مقاله حاضر نیست؛ مثلاً می‌توان به تمدن (۱۳۸۹) اشاره کرد که حاوی دو مقاله در این زمینه است.

این کتاب یک‌بار چاپ شده‌اند و فقط کتاب پاتریک گانینگ دوبار ترجمه و منتشر شده است. کتاب جمسی و دیگران (۱۳۸۴) و سرزعی (۱۳۸۹) ترجمه یک مجموعه مقاله‌اند که نمی‌توانند همه مباحث را پوشش دهند. باتلر (۱۳۹۱) هم یک کتاب مختصر است و مولر

نقد کتاب *دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی* ۲۱

(۱۳۹۵) بیش از آن تخصصی است که بتواند مورد اقبال عموم و حتی دانش‌آموختگان مبتدی اقتصاد قرار گیرد. برخلاف آن‌ها، کتاب *انتخاب عمومی* گانینگ مباحث بسیاری را به زبان ساده پوشش می‌دهد و هم می‌تواند علاقه‌مندان اقتصاد سیاسی را بهره‌مند کند و هم به‌منزله کتاب درسی در مقطع کارشناسی و تاحدی کارشناسی ارشد تدریس شود. به‌علت اهمیت این کتاب در زبان فارسی، مقاله حاضر بر آن است تا جنبه‌های گوناگون این اثر را واکاوی کند. برای این منظور، در ابتدا نویسنده و کتاب و سپس ترجمه معرفی شده و کتاب از دو جنبه شکلی و محتوایی نقد شده است. کوشش بر آن است تا با ارجاع به متن ترجمه کتاب، ضمن معرفی تفصیلی فصول، برخی از نکات بنیادین اندیشه‌های نویسنده و کتاب روشن شوند.

۲. معرفی نویسنده و محتوای کتاب

۱.۲ معرفی نویسنده

پاتریک گانینگ، نویسنده کتاب، دانش‌آموخته اقتصاد از آمریکا است که در سال ۱۹۷۴ م، از رساله دکتری خود با عنوان *یک رویکرد اقتصادی به تعاملات اجتماعی و نهادها*^۱ در مؤسسه پلی تکنیک ویرجینیا دفاع کرد و پس از آن در دانشگاه‌ها و کالج‌های متعددی در آمریکا و جهان اقتصاد را در کسوت استادیاری و دانشیاری و استاد تمام تدریس کرده است. از جمله این دانشگاه‌ها می‌توان به دانشگاه ملی چونگ هسینگ تایپه (۱۹۹۲ - ۱۹۹۸ م)، دانشگاه سلطان قابوس عمان (۱۹۹۸ - ۲۰۰۰ م)، دانشگاه آمریکایی شارجه در امارات متحده عربی (۲۰۰۰ - ۲۰۰۲ م)، و دانشگاه فنگ چای در تایوان (۲۰۰۲ م به بعد) اشاره کرد. حوزه‌های تدریس و پژوهش وی عبارت‌اند از نظریه اقتصادی، اقتصاد سیاسی (انتخاب عمومی)، تاریخ تفکر اقتصادی، اقتصاد اتریشی، و اقتصاد جرم و حقوق. وی مقالات متعددی نوشته است، اما مهم‌ترین اثر وی را باید کتاب حاضر، یعنی *دموکراسی*، دانست که در سال ۲۰۰۳ م در تایوان منتشر شد و محصول تدریس نظریه انتخاب عمومی در این کشور است.

پاتریک گانینگ فرد چندان شناخته‌شده‌ای در حوزه مطالعات نظریه انتخاب عمومی در سطح جهان نیست و این اثر مرهون فرصتی است که تدریس در یک کشور آسیایی در اختیار وی قرار داده و به کمک پشتکار و علاقه تبدیل به یک کتاب درسی شده است. این کتاب در سطح جهان چندان شناخته شده نیست، زیرا نه در قسمت کتب دانشگاهی سایت

گوگل درج شده و نه از منابع معرفی شده در طرح درسی استادان دانشگاه‌های معتبر جهان است. نگاهی به متن ساده کتاب به زبان انگلیسی هم نشان‌دهنده آن است که کتاب برای افراد غیرانگلیسی‌زبان نوشته شده است.

۲.۲ معرفی کتاب

[فهم] *دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی* کتابی ساده و روان و تقریباً جامع در خصوص موضوعاتی است که در انتخاب عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. هرچند در زبان لاتین تعدادی از این کتاب‌ها یافت می‌شوند، به زبان فارسی چنین متن روان و جامعی در دسترس نیست. متن انگلیسی ساده، در کنار به‌روز بودن موضوعات و ملموس بودن مباحث، جذابیت فراوانی برای برگردان کتاب به فارسی برمی‌انگیزد. شاید از همین روست که دو مترجم به‌صورت جداگانه به ترجمه و انتشار فارسی این اثر اقدام کرده‌اند. همان‌طور که مؤلف در دیباچه اشاره می‌کند، هدف کتاب «معرفی انتخاب عمومی به زبان ساده به غیرانگلیسی‌زبان‌هاست».

نویسنده در مباحث تحقیقی از ریاضیات پیچیده استفاده نکرده و هدف او طرح اولیه مباحث بوده است، از این رو دامنه وسیع‌تری از مخاطبان را به خود جذب می‌کند؛ از جمله دانش‌آموختگان اقتصاد با آگاهی اندک از انتخاب عمومی و نیز علاقه‌مندان سایر رشته‌ها، مثل علوم سیاسی و جامعه‌شناسی. هرچند فهم بخش‌هایی از کتاب به آشنایی اولیه با مالیه عمومی نیاز دارد. اقتصادخوانده‌هایی که با نظام‌های سیاسی آشنایی ندارند، برای فهم بهتر برخی از مباحث به مراجعه به منابع تکمیلی دیگری نیازمندند.

نویسنده بر این نظر است: «الگوسازی‌ها [ی ریاضی] و اصطلاحات تخصصی، نه فقط غیرضروری‌اند، بلکه می‌توانند منحرف‌کننده هم باشند» (ص ۱۴).^۲ در ادامه، این انحراف را برای محققانی گوش‌زد می‌کند که آشنایی کافی با معنی واقعی دموکراسی و تاریخچه آن ندارند. «این امر به‌خصوص برای دانشجویانی صدق می‌کند که انگلیسی زبان مادری آن‌ها نیست و تجربه زیادی در دموکراسی ندارند. این‌گونه دانشجویان به یادگیری الگوها و اصطلاحات علاقه دارند، اما به آموزش [فهم] اندیشه‌های دموکراسی گرایشی ندارند»^۳ (ص ۱۴). این ادعا که از علاقه‌مندی نویسنده و نزدیکی افکار وی به مکتب اتریشی ناشی می‌شود (چه این‌که در فصول مختلف، پای ثابت ارجاعات نویسنده‌اند) یک نقص بزرگ آموزش اقتصاد به‌صورت عام و انتخاب عمومی به‌صورت خاص را گوش‌زد می‌کند

نقد کتاب دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی ۲۳

و آن غفلت از آموزش مفاهیم و مباحث بنیادین علم اقتصاد و پرداختن به الگوسازی‌های ریاضی و اصطلاحات تخصصی است.

صفحه‌آرایی و طرح روی جلد کتاب بسیار مطلوب و چشم‌نواز است، هرچند بیش‌تر یک کتاب غیردرسی را تداعی می‌کند.

هدف مؤلف در همه فصول القای این ایده بوده که «آنچه ما آن را شکست دولت می‌نامیم، آن قدر زیاد است که می‌تواند در مورد توانایی‌های دولت مردم‌سالار برای تصحیح موارد عملی شکست بازار در سطح ملی یک دموکراسی بزرگ تردیدهای جدی ایجاد کند» (ص ۱۵).

۳. خلاصه فصول کتاب

کتاب در هجده فصل تنظیم شده است. فصل اول، که به کلیات کتاب می‌پردازد، درصدد است به سؤالات اساسی و اشکالات عمده‌ای که به انتخاب عمومی وارد می‌شود، پاسخ دهد. در این فصل، انتخاب عمومی به مطالعه دموکراسی از دیدگاه اقتصادی تعریف می‌شود و ضمن ارائه تاریخچه‌ای از دموکراسی، آن را به دلیل استبداد و تنها راه مهار قدرت کارگزاران و سیاست‌مداران برمی‌شمرد. در همین فصل، اشکالات هشت‌گانه‌ای را به دموکراسی وارد می‌کند.

فصل دوم و در ادامه مباحث فصل اول به مبانی انتخاب عمومی می‌پردازد و با بحث جنجال‌برانگیز پی‌جویی نفع شخصی در حوزه سیاست شروع می‌شود. نویسنده با این استدلال که هدف علم پرداختن به هست‌هاست و نه باید‌ها (طبق سنت تقسیم‌گزاره‌های اقتصادی به تحقیق از هنجاری)، فرض پی‌جویی نفع شخصی در حوزه سیاسی را سرآغاز علمی‌شدن علوم سیاسی و جداشدن آن‌ها از فلسفه اخلاق می‌داند. این فصل با معرفی مفهوم شکست بازار ادامه می‌یابد. هرچند که بحث‌های تفصیلی‌تر شکست بازار در فصل سوم آورده شده است.

فصل سوم به شکل دقیق‌تری به شکست بازار و به‌طور ضمنی ناکارآمدی‌های دولت در رفع آن‌ها اشاره می‌کند. در این فصل به جایگاه پی‌جویی نفع شخصی و مالکیت خصوصی در نظام‌سازی اقتصادی از دیدگاه آدام اسمیت و فرانک نایت پرداخته و به‌دفعات نقدهای مالکیت خصوصی را پاسخ می‌دهد. فصل سوم با ارائه مفهوم کالاهای عمومی و انحصار و تأثیرات خارجی ادامه می‌یابد. هرچند استفاده‌نکردن از شکل و نمودار، فهم

مطالب این بخش‌ها را برای مخاطبان اقتصادنخوانده با دشواری همراه می‌کند، اشاره نویسنده به راه‌های بازاری مواجهه با این شکست‌ها و ناکارآمدی‌های دولت در رفع این شکست‌ها بسیار مناسب و درمورد کتاب‌های بخش عمومی تاحدی نوآورانه است.

فصول چهارم و پنجم به مبانی شاخه‌ای دیگر از انتخاب عمومی، موسوم به اقتصاد قانون اساسی، می‌پردازد. جای خالی این مباحث در متون فارسی بیش از فصول دیگر احساس می‌شود. در این فصول، قانون اساسی را به منزله توافقی بنیادین میان اعضای اجتماع برای استخدام کارگزاران و سیاست‌مداران و نظارت بر عملکرد آن‌ها تعریف می‌کند. در ادامه، لزوم تصریح قواعد انتخاب و نظارت و حتی عزل کارگزاران و سیاست‌مداران را در قانون اساسی آورده است. فصل چهارم با اشاره به هزینه‌های خارجی تصمیم‌سازی جمعی (تدارک یک کالای عمومی به برخی نفع بیش‌تری می‌رساند، ولی برای همه هزینه دارد) و هزینه‌های سوءاستفاده از قدرت (استفاده از قدرت برخلاف خواست رأی‌دهندگان) پایان می‌یابد.

فصل پنجم به چگونگی تدوین قانون اساسی به‌منظور کاهش هزینه‌های خارجی تصمیم‌سازی جمعی و سوءاستفاده از قدرت می‌پردازد و راه‌کارهایی را، چون تفکیک قوا، آزادی گردش اطلاعات، و تنظیم قواعدی برای مقابله با خریدوفروش آرا، ابزارهایی برای کاهش این هزینه‌ها معرفی می‌کند. درخور توجه این‌که خریدوفروش آرا را در سطح انتخاب سیاست‌مداران نامناسب می‌داند، اما در مجلس نمایندگان غیرمنطقی قلمداد نمی‌کند. این فصل نیز با یک هشدار درمورد تفسیر به رأی سیاست‌مداران و کارگزاران از قانون اساسی و تأثیر آن در بزرگ‌شدن بیش از پیش دولت و این‌که «قانون اساسی الزاماً دموکراسی پایا را تضمین نمی‌کند» خاتمه می‌یابد (ص ۱۴۵).

فصول ششم تا دهم کتاب از مباحث آشنای انتخاب عمومی‌اند که در اکثر کتب فارسی اقتصاد بخش عمومی نوین نیز به‌نوعی آمده‌اند؛ مثل ارزیابی قواعد مختلف رأی‌گیری، تناقض رأی‌دهنده عقلائی، و نظریه رأی‌دهنده میانی. در این فصول از نمودارهای ریاضی نیز بهره گرفته شده است.

فصل ششم روش‌های انتخاب نمایندگان مجلس به حوزه تک‌نماینده‌ای، حوزه‌های چندنماینده‌ای، و حوزه‌های ملی دسته‌بندی شده است و نتیجه‌گیری می‌شود که «باتوجه به هزینه و فایده یادشده نمی‌توان با اطمینان گفت برای شرایط خاصی کدام‌یک از این سه نظام بهتر است» (ص ۱۴۹). در ادامه فصل به این موضوع مهم می‌پردازد که کمیسیون

انتخابات و شرایط نامزدی چگونه و با چه ملاحظاتی تعیین شوند و به آسانی نتیجه می‌گیرد که «دو دلیل اقتصادی برای محدود کردن تعداد نامزدها وجود دارد. اول این که نامزد بیش تر هزینه اجرای انتخابات را بالا می‌برد و دلیل مهم تر این که تعداد نامزد بیش تر موجب افزایش هزینه یافتن بهترین نماینده می‌شود».^۴ در ادامه، محاسن هزینه‌های ورودیه و تضمین‌های نقدی از سوی کاندیداها را این گونه تبیین می‌کند که «نامزدهای عادی که به وسیله افراد ثروتمند حمایت نمی‌شوند را از گردونه خارج می‌کند» (ص ۱۵۰). این فصل با ورود به نقاط قوت و ضعف نظام‌های هر فرد یک رأی، هر فرد چند رأی، و رأی‌دهی فهرستی پایان می‌یابد. در این فصل، به انگیزه نمایندگان برای تغییر تقسیمات کشوری هم اشاره می‌شود که در نوع خود نوآورانه است و هر چند در انتخابات کنگره و سنای آمریکا رایج تر است، می‌تواند در ایران هم مصداق داشته باشد.

فصل هفتم به فرضیه رأی‌دهنده عقلایی و مهم‌ترین چالش انتخاب عمومی، یعنی دلیل شرکت مردم در انتخابات، می‌پردازد که با ورود ناگزیر عوامل جامعه‌شناختی برای توضیح آن، به نوعی بر ناتوانی انتخاب عمومی در حل این چالش اعتراف می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد: «با نوشتن سطور فوق در مورد ناکارآمدی فرایند انتخابات، منظور ما این نیست که فرایندی بهتر از آن در ذهن ما وجود دارد» (ص ۱۶۹). فصل با نظریه رأی‌دهنده میانه ادامه می‌یابد و با بهره‌گیری از شکل و نمودار به روشنی ابعاد مختلف این نظریه را تبیین می‌کند. در این بخش، نظریه رأی‌دهنده میانه را به بیش از دو نامزد تعمیم می‌دهد و نشان می‌دهد که «در انتخابات چندنامزدی، تصمیم‌گیری به مهارت زیادی نیاز دارد و بروز اشتباه نیز محتمل تر است» (ص ۱۷۹).

فصل هشتم، با وارد کردن فروض تک‌قله‌ای بودن ترجیحات و تنوع در موضوعات مورد رأی‌گیری، به مواردی می‌پردازد که نظریه رأی‌دهنده میانه به تناقض منجر می‌شود. در این فصل نشان داده می‌شود که وقتی کاندیداها مجبورند نظر خود در مورد موضوعات مختلف را به صورت یک برنامه ارائه کنند، ممکن است نظریه رأی‌دهنده میانه کاربردی نداشته باشد. در ادامه، با اشاره به اهمیت تبلیغات انتخاباتی نشان می‌دهد که تأمین هزینه‌های تبلیغات نیز انحراف از نظریه رأی‌دهنده میانه را محتمل می‌سازد. در نهایت، به بحث آشنای تناقض در رأی اکثریت می‌پردازد و رأی‌دادن راه‌بردی و تغییر مواضع سیاسی کاندیداها و احزاب را بر همین اساس تحلیل می‌کند. نویسنده در این فصل هم نتیجه می‌گیرد که «تمام این عوامل در مورد توانایی دموکراسی و کالتی برای کسب نتایجی بهتر از اقتصاد بازار تردید ایجاد می‌کند» (ص ۱۹۹).

فصل نهم به توضیح ناکارآمدی قاعده اکثریت نسبی و مطلق در تعیین مقدار بهینه عرضه کالای عمومی با دو فرض مالیات یک‌سان بر همه افراد و مالیات به نسبت درآمد می‌پردازد. در این فصل نتیجه می‌گیرد که «وقتی سعی می‌کنیم الگوی نظری خود را با وضعیت واقعی افراد از جنبه رجحان‌ها، توزیع درآمد، و نظام واقعی مالیات تطبیق دهیم، باید اذعان کنیم دلیل خاصی برای این باور وجود ندارد که مقدار یک کالای عمومی منفرد، که در دموکراسی بی‌واسطه از طریق قاعده اکثریت تعیین شده، به مقدار جنبه نظری کارآمد نزدیک باشد. همچنین، دلیلی برای قبول این باور نداریم که اکثریت رأی‌دهندگان از مقدار هر کالای عمومی منفرد که عرضه می‌شود، احساس رضایت خواهند کرد» (ص ۲۲۲). فهم نمودارها و شکل‌های استفاده‌شده در این فصل، که در اغلب کتاب‌های فارسی نیز دیده می‌شوند، به یک پیش‌زمینه اقتصاد خرد نیازمند است که لازم است در کتاب حاضر به یک منبع مناسب ارجاع داده شود. بخش پایانی این فصل که سؤال نحوه تصمیم‌گیری در خصوص مقدار عرضه کالای عمومی در دموکراسی واقعی را مطرح کرده، به‌جا و نوآورانه است.

فصل دهم به موضوع خرید و فروش آرا در دو سطح نمایندگان و رأی‌دهندگان معمولی می‌پردازد. همان‌طور که در فصل قبلی نشان داده شده است، رأی‌دهندگان از مقدار کالای عمومی تحت قاعده اکثریت ناراضی‌اند. تجارت رأی یک راه‌کار اقتصادی است. در این فصل، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تجارت رأی می‌تواند این نارضایتی را کاهش دهد. برای پاسخ به این پرسش از هزینه‌های مبادلاتی موجود بر سر راه تجارت استفاده می‌کند. نشان داده می‌شود که در زمان پایین‌بودن هزینه‌های مبادلاتی، تجارت رأی می‌تواند کارآیی عرضه کالای عمومی را به‌هم‌راه داشته باشد، اما در دنیای واقعی با تعداد زیاد افراد و چولگی زیاد توزیع منافع کالای عمومی، خرید و فروش آرا موجب کاهش کارآیی می‌شود. البته، همانند فصل پنجم، خرید و فروش آرای نمایندگان را نان به‌هم قرض دادن تلقی می‌کند که با هزینه معاملات کمی‌تری مواجه‌اند، بنابراین «نان به‌هم قرض دادن نمایندگان فرصت چانه‌زنی ایجاد می‌کند و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به‌صورت کارآمدتری شدت ترجیحات حوزه انتخابی خود را منعکس نمایند» (ص ۲۳۸)، هرچند در صورت کنترل نکردن امکان سوءاستفاده از موقعیت نمایندگی، این نان به‌هم قرض دادن می‌تواند گستره فساد را بیش‌تر کند. در این فصل، با تأکید بر این‌که وجود بازار و حاکمیت آن پیش‌فرض درست کارکردن بازار سیاست است، ادعا می‌شود که در بیش‌تر دموکراسی‌های بعد از جنگ جهانی دوم، که فاقد اقتصاد بازارند، «بدون وجود آزادی در مبادلات اقتصادی احساس آزادی در مبادلات سیاسی معنی ندارد. بنابراین، نباید انتظار داشت آنان در قانون

اساسی خود مفاد روشنی در مورد تجارت رأی بگنجانند» (ص ۲۴۰). نقد دموکراسی در کشورهای غرب آسیا و شرق اروپا از منظر تجارت رأی در بخش پایانی فصل را می‌توان نوآوری دانست. نویسنده با دانستن دموکراسی این کشورها مبتنی بر نظام سرپرستی و سنت تعهد به یک فرد یا حزب خاص در رأی‌گیری، دست‌کم در کوتاه‌مدت، آن را ناتوان از عرضه کارآمد کالای عمومی می‌داند. «سرپرستان پیشین که کالای عمومی را به صورت ناکارآمد عرضه می‌نمایند و در اقتصاد بازار دخالت می‌کنند، می‌توانند برای مدت طولانی بر سر قدرت بمانند» (ص ۲۴۱). راه میان‌بر تحقق دموکراسی واقعی در این کشورها را افشاگری در مورد مفاسد سرپرستان و در نتیجه از بین بردن احساس تعهد اخلاقی رأی‌دهندگان به آن‌ها می‌داند: «هنگامی که آن‌ها از ناکارآمدی یا فساد آگاه می‌شوند، نزد بسیاری از آنان کل فلسفه نظام سرپرستی زیر سؤال می‌رود» (ص ۲۴۱).

فصل یازدهم که به بررسی رفتار نمایندگان مجلس اختصاص دارد با استفاده از بحث توضیحی و بدون استفاده از شکل و نمودار نشان می‌دهد که وارد کردن فرض منفعت‌طلبی به رفتار آن‌ها موجب تأثیر گرفتن تصمیمات آن‌ها از گروه‌های هم‌سود و گروه‌های فشار به انحای مختلف می‌شود. از همین روست که نمایندگان حاضر می‌شوند «با تصویب لوایحی که کارآیی را کاهش می‌دهد، منفعت کسب کنند» (ص ۲۴۷). «با قبول رأی به قانونی که افراد یا گروه‌های خاص را منتفع می‌کند، نماینده می‌تواند مشارکت قابل توجهی برای مبارزه انتخاباتی خود جذب و در انتخابات به پیروزی برسد» (ص ۲۴۸). در این فصل، مواردی از این اثرگذاری‌ها در تدارک کالای عمومی، از جمله محلی، ملی، و باشگاهی، تعیین بار مالیاتی و بازتوزیع ثروت، تعیین نحوه تدارک کالای عمومی، روش مواجهه با انحصار طبیعی، و تعیین سیاست‌های کلان اقتصادی در حد طرح بحث اولیه و بدون مدل‌سازی تحلیل شده است، اما نتیجه بخش آخر این فصل این است که «در کتاب‌های درسی اقتصاد کلان اولیه، متخصصان اقتصاد کلان الگوهای ناپخته‌ای می‌ساختند تا نشان دهند که چگونه سیاست مالی و پولی بر بی‌کاری و تورم اثر می‌گذارد» (ص ۲۷۵) و این که این سیاست‌ها حتی اگر اثری هم بر اقتصاد نداشته باشند، می‌توانند برای رئیس‌جمهور و مجلس و گروه‌های ذی‌نفع حامی آن‌ها منفععی در بر داشته باشد.

فصل دوازدهم در ادامه فصل قبل به نحوه تشکیل و کارکرد احزاب و گروه‌های فشار در دموکراسی آمریکا پرداخته است و نقش مثبت آن‌ها را در انتقال خواست رأی‌دهندگان به نمایندگان و کارگزاران توضیح می‌دهد. نویسنده حزب سیاسی را یک بنگاه غیرانتفاعی تعریف می‌کند که ۱. به نامزدهای نمایندگی برای رأی‌آوردن از طریق قرارداد نام وی در

فهرست حزبی و تأمین هزینه‌های تبلیغاتی کمک می‌کند؛ ۲. به نمایندگان برای تصویب لوایح کمک می‌کند (تسهیل نان به هم قرض دادن)؛ ۳. به اعضای جامعه برای تأثیر در قانون (تضمین خرید رأی بیش‌تر) کمک می‌کند. سپس، از الگوی کنش جمعی اولسن برای توضیح چگونگی شکل‌گیری گروه‌های فشار استفاده می‌کند و در پایان فصل به ارتباط گروه‌های فشار و احزاب سیاسی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد: «اگر گروه‌های فشار غیرقانونی اعلام شوند، افرادی که در پی تأثیرگذاری بر نمایندگان هستند، به‌سادگی به‌سراغ احزاب سیاسی می‌روند. آن‌ها ممکن است در درون احزاب جناح‌های مستقلی ایجاد کنند یا برای خود حزب جدیدی تشکیل دهند» (ص ۳۰۵).

فصول سیزدهم تا پانزدهم به دیوان‌سالاری دولتی مربوط است. فصل سیزدهم با نقد دیوان‌سالاری وبری از منظر انتخاب عمومی شروع می‌شود و آن را آرمانی و حصول‌ناپذیر می‌داند. استدلال می‌شود که قانون خدمات کشوری مبتنی بر دیوان‌سالاری وبری نه تنها دیوان‌سالاری مطلوب را حاصل نمی‌کند، بلکه باعث بزرگ‌شدن بیش از پیش دیوان‌سالاری و استخدام غیرمتخصصان به‌جای متخصصان می‌شود: «هیچ آزمون خدمات کشوری نمی‌تواند ویژگی اخلاقی را اندازه‌گیری کند. یعنی ثابت کند که یک دیوان‌سالار بالقوه برای منافع اجتماع تلاش خواهد کرد» (ص ۳۱۷). ادامه فصل مرور تاریخی بخش اجرایی آمریکا از سال ۱۷۸۸ م است و ادعا می‌کند که دیوان‌سالاری کنونی آمریکا جای‌گزین نظام طبقاتی تقسیم‌غنایم سابق بر خود شده است. درعین حال، تحلیل نظام دیوانی کنونی موضوعی پیچیده است که برای تحلیل آن در فصل بعد (فصل چهاردهم) از یک الگوی ساده، یعنی الگوی پیش‌نهادی نیسکانن، برای تحلیل نظام دیوانی در یک دموکراسی ریاستی بهره می‌برد. «فرض الگو این است که دیوان‌های دولتی عرضه‌کننده و سیاست‌مداران منتخب تقاضاکننده بعضی از کالاها و خدمات هستند. هدف رئیس دیوان، به‌عنوان مدیر عرضه، بیشینه‌کردن میزان بودجه دیوان است» (ص ۲۳۵). با ترکیب این انگیزه‌ها، با انگیزه نمایندگان که در فصل یازدهم آمد «بودجه نهایی احتمالاً از مقدار بهینه موردنظر رأی‌دهنده بسیار بیش‌تر است» (ص ۲۳۵). فصل با اشاره اجمالی به بحث تحلیل نظام دیوانی در دموکراسی شورایی پایان می‌یابد.

فصل پانزدهم به دو روش بهبود امور دیوانی اختصاص دارد؛ افزایش اطلاع مردم از هزینه‌های تدارک کالاهای عمومی و دریافت هزینه و عوارض از استفاده‌کنندگان برخی از کالاهای عمومی به‌ویژه کالاهای باشگاهی. البته، در مقدمه هم اشاره می‌کند که شاید راه‌حل بهتر و عاقلانه‌تر این باشد که «دولت یک‌سره این کسب‌وکار را کنار بگذارد یا از ابزارهای

دیگری به‌جز عرضه مستقیم کالا استفاده کند» (ص ۳۷۳). هم‌چنین، اختصاراً محدودیت‌هایی که ممکن است در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات دولتی به‌وجود بیاید مورد بحث قرار می‌گیرند.

فصل شانزدهم به مبحث رانت‌جویی می‌پردازد که طبق تعریف عبارت است از فعالیت‌های قانونی غیرانتخاباتی «که به‌قصد تغییر قوانین یا اقدامات اجرایی انجام می‌شوند تا فرد یا گروهی بیش از افراد یا گروه‌های دیگر منفعت کسب کند» (ص ۳۹۲) و به دو نوع دریافت امتیاز بازار و رانت‌جویی برای بازتوزیع تقسیم می‌شود. مثال‌هایی نیز برای آن ارائه می‌شود. در مثال اول، یک بنگاه انفرادی در پی کسب امتیاز انحصار است. در مثال دوم، بنگاه‌های داخلی درصددند تا با تشویق نمایندگان به وضع تعرفه بر واردات، درقبال رقبای خارجی از رانت برخوردار شوند. در ادامه، مثال بوکانان را در مورد خدمات تاکسی‌رانی شرح داده است و نشان می‌دهد که رانت‌جویی می‌تواند در سطوح مختلفی شامل رانندگان تاکسی، سازمان تاکسی‌رانی، کارگزاران دولتی، و حتی مالیات‌دهندگان و دریافت‌کنندگان خدمات حادث شود.

فصول هفدهم و هجدهم به خصوصی‌سازی از منظر انتخاب عمومی اختصاص دارد. فصل هفدهم به واگذاری کامل خدمات دیوانی به بخش خصوصی پرداخته است و نشان می‌دهد که چگونه دیوان‌سالاران در زمان مناسب خصوصی‌سازی تأخیر ایجاد می‌کنند. «گروهی از افراد در به‌تأخیر انداختن یا تضعیف انحلال منفعت ویژه‌ای دارند. مهم‌ترین آن‌ها افرادی هستند که احتمالاً شغل یا منافع خود را از دست می‌دهند» (ص ۴۲۰). در ادامه، پیش‌نهادهایی برای جذاب کردن خصوصی‌سازی برای گروه‌های ذی‌نفع ارائه می‌کند. «پرداخت جبرانی به کارگرانی که شغل خود را در نتیجه انحلال از دست داده‌اند» (ص ۴۳۰) و پرداخت جبرانی برای ذی‌نفعان سابق خدمات دولتی که خصوصی شده‌اند.

فصل هجدهم، با این فرض که خصوصی‌سازی کامل ممکن نیست، برای عرضه خدمات عمومی راه‌های ارزان‌تری از دیوان‌سالاری پیش‌نهاد می‌کند؛ از جمله پیمان‌سپاری ارائه خدمات عمومی به بخش خصوصی و پرداخت یارانه به تقاضاکنندگان در قالب کالابریگ و سپس از منظر انتخاب عمومی نکاتی را برای ارائه کارآمدتر این روش‌ها بیان می‌کند. در نهایت به انحصارات دولتی و منشأهای رانت‌جویانه آن‌ها می‌پردازد و مدعی می‌شود که در اغلب موارد با ادعای انحصار طبیعی بودن خدماتی چون برق و آب و مخابرات، دیوان‌سالاری بر آن‌ها ساری و جاری شده و راه‌حل خروج از ناکارآمدی دیوان‌سالاری در این حوزه را وارد کردن رقابت و تبدیل انحصارهای دائم به انحصارهای

موقت برمی‌شمرد. «پروانه انحصار باید موقت باشد و با گذشت زمان تمام محدودیت‌های پیش‌روی رقابت را حذف کنیم» (ص ۴۶۳).

۴. نقدهای کتاب

هرچند درضمن ارائه فصول کتاب، با آوردن بخش‌هایی از متن کتاب، نقدهایی به محتوای آن وارد شد، در این بخش این نقدها در یک دسته‌بندی کلی ارائه شده و متن کتاب از جنبه‌های دیگری نیز بررسی شده است.

۱.۴ ارزیابی ترجمه

همان‌گونه که گفته شد، کتاب دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است. بار اول، محسن رنانی و محمد خضری ترجمه کردند که آن را سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منتشر کرده است و بار دوم، حسین ربیعی که این بار انتشارات دنیای اقتصاد پا به‌عرضه گذاشته است. علت ترجمه دوباره متن روشن نیست و در پیش‌گفتار کتاب دوم نیز بدان اشاره نشده است. حتی معلوم نیست چرا کلمه «فهم» از عنوان کتاب فارسی حذف شده است. با مقابله صرفاً چند صفحه از متن انگلیسی با ترجمه فارسی کتاب، روشن شد که ترجمه نقاط ضعف متعددی دارد که بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. به‌کارگیری معادل‌های نادرست: مثلاً با مقابله صفحه ۲۱ متن فارسی با متن اصلی دست‌کم پنج اشتباه دیده شد؛ ترجمه «mainstream professional economists» به فعال‌ترین اقتصاددانان حرفه‌ای (ترجمه درست: اقتصاددانان حرفه‌ای جریان اصلی)؛ ترجمه «studied and taught» به مطالعه و بررسی (ترجمه درست: مطالعه و تدریس)؛ ترجمه «fellow» به شرکا (ترجمه درست: هم‌صنفان یا هم‌نوعان)؛ ترجمه «haven» به محل (ترجمه درست: پناهگاه)؛ ترجمه «threat» به خطر (ترجمه درست: تهدید)؛
۲. عدم به‌کارگیری معادل‌های جاافتاده: در موارد متعددی از معادل‌های غیرتخصصی و نامأنوس استفاده شده است، از جمله ترجمه «collective decision» به تصمیم گروهی (ترجمه درست: تصمیم جمعی)؛ «dicense» به گواهی‌نامه (ص ۶۱، معادل مجوز بهتر است، زیرا برای شکار استفاده شده است)؛ ترجمه «provide» به تولید (ص ۴۷، تدارک یا فراهم‌کردن بهتر است)؛ ترجمه «free enterprise» به کاسبی آزاد (ص ۴۷، آزادی کسب‌وکار بهتر است)؛ ترجمه «government vs. the market» به دولت و بازار (ص ۴۷، دولت درمقابل

نقد کتاب دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی ۳۱

بازار درست است)؛ ترجمه «socialism» به جمع‌گرایی (ص ۶۲، خود سوسیالیسم یا حتی جامعه‌گرایی بهتر است)؛ ترجمه «communal» به گروهی (ص ۶۱، اشتراکی بهتر است)؛ باز توزیع‌کنندگان ثروت (ص ۲۶۶، توزیع‌کنندگان مجدد ثروت بهتر است)؛

۳. ترجمه‌های روان در کنار ترجمه‌های نادرست: در عین آن‌که برخی موارد به‌خوبی ترجمه شده‌اند و جای تقدیر دارد، مثلاً «امتيازات خاص اعطایی از سوی دولت» (ص ۲۳)، برخی موارد نیز کاملاً اشتباه ترجمه شده‌اند؛ مثلاً «the want for security in modern times can only be fully supplied by a government» به «در دنیای امروز دولت به‌تنهایی نمی‌تواند نیاز امنیتی را به‌طور کامل برآورده کند» ترجمه شده که کاملاً خلاف مراد نویسنده است؛

۴. نیاز به فارسی‌سازی بیش‌تر متن: برخی اصطلاحات و جملات کاملاً به‌ویرایش زبانی برای فارسی‌سازی بیش‌تر نیازمند است که به مواردی از آن اشاره می‌شود: «این کار آن‌چنان‌که در ابتدا می‌اندیشیدم ساده نیست» (که باید فعل به «نبود» تغییر یابد، ص ۱۴)؛ اعتقاد گسترده‌ای (ص ۱۵)؛ حقوق مالکیت را مسدود می‌کند (ص ۱۷)؛ انحصار با تبانی (ص ۲۲)؛ نظامی‌گری پر قدرت (ص ۳۶)؛ «راه‌های ارزان‌تر از دیوان‌سالاری» (ص ۳۷۴، مثلاً «راه‌های ارزان‌تری نسبت به دیوان‌سالاری» بهتر است)؛ «قانون بدون دربرداشتن هزینه» (ص ۴۰۴). بخشی از این مشکل بر اثر ترجمه تحت‌اللفظی متن روی داده است؛ مثلاً آن‌ها (ص ۱۳، خط ۷) اضافه است؛ یا «نه فقط ...، بلکه ... هم» (ترجمه not only, but also) (ص ۱۴، پاراگراف اول). برخی جملات نیز معنای قابل‌فهمی ندارند که از ترجمه نشئت گرفته است؛ مثلاً «در مطالعه همه این کتاب‌ها، اما بیش‌تر در موارد آخر، مقداری آگاهی از اصول اساسی عنوان‌شده در کتاب‌ها لازم است» (ص ۱۵)؛ «اقتصاد سیاسی‌دانان اولیه علاقه‌ای به کوچک‌ترین حد ممکن از دولت قانون‌گذار و ناظم نداشتند» (ص ۲۳)؛ «برخلاف آموزه‌های فیلسوفان اخلاق، کنش هم‌راه خودخواهانه در اقتصاد بازار موجب همکاری اجتماعی در بزرگ‌ترین مقیاس می‌شود» (ص ۲۲)؛ «در عوض آن‌ها مردم و درآمد براساس فایده آن‌ها به این طبقات تقسیم کردند» (ص ۲۴)؛ «برای تمایز بین خود و پشتیبانی که روی اقتصاد بازار مطالعه می‌کردند، ...» (ص ۲۵)؛ «برای کسب حمایت سرپرست فرد باید به او خدمت نماید و وفاداری خود را به او ثابت کند» (ص ۲۴۰).

در مجموع، باید گفت که ترجمه یک‌دست نیست و کیفیت مطلوبی ندارد و مقابله ترجمه با متن زبان اصلی از یک‌طرف و سپس، ویرایش فارسی متن ترجمه‌شده کاملاً ضروری است.

۲.۴ ارزیابی نگارشی کتاب

نگارش کتاب در مجموع خوب است، اما کتاب پیش از چاپ غلط‌گیری نشده است که به نمونه‌هایی از آن در این جا اشاره می‌شود: «در نتیجه نماینده شاغل نیز در احتمالاً به حزب سیاسی کمک می‌کند» (ص ۲۵۲)؛ «نماینده به‌عنوان کارکردگذار» (ص ۲۵۴)؛ «هم‌چنین محدوده فعالیت ارتش را تعیین می‌کند تا امکان صدمه‌زدن نیروهای نظامی را به شهروندان کم شود» (ص ۹۸). «سه ویژگی چنین روش‌هایی را باید عنوان می‌کنیم» (ص ۱۴۷).

ترکیبات اضافی با واژگان متعدد مشکل دیگری است که خواندن متن را در بعضی قسمت‌ها دشوار می‌کند؛ مثلاً «آغازگر استقرار تدریجی تعداد زیادی نظام محلی قوانین ساخته اشرف‌زاده» (ترکیب ده‌کلمه‌ای، ص ۳۴).

یکی از مشکلات نگارشی کتاب از خود متن انگلیسی است. از آن‌جا که کتاب برای دانشجویانی نوشته شده است که انگلیسی زبان مادری آنان نیست، متن دارای جملات کوتاه و ساده است. در ترجمه می‌شد این نقص را با ساخت جملات مرکب جبران کرد؛ برای مثال آورده شده است:

بسیاری از افراد باهوش و حساس دنیای امروز، در مورد دولت‌های مردم‌سالار خود دیدگاه خوش‌بینانه‌ای دارند. آن‌ها انتظار دارند این نظام ایشان را به‌سوی موفقیت سوق دهد. آن‌ها برای تولید کالاها و خدمات، دولت را بر بازار ترجیح می‌دهند. (ص ۴۷).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، برای بسیاری از افراد، طی تنها ۴۵ کلمه، چهار ضمیر متصل و منفصل استفاده شده است. می‌شد این جملات را به‌صورت زیر درآورد:

بسیاری از افراد باهوش و حساس دنیای امروز، در مورد دولت‌های مردم‌سالار خود دیدگاه خوش‌بینانه‌ای داشته و انتظار دارند این نظام ایشان را به موفقیت نائل کند، لذا برای تولید کالاها و خدمات، دولت را بر بازار ترجیح می‌دهند.

عنوان اصلی کتاب به انگلیسی *Understanding Democracy* است که به دموکراسی ترجمه شده و این کار موجب می‌شود که مخاطبان کتاب متفاوت شوند. مؤلف بعد آموزشی کتاب به‌ویژه برای کشورهای فاقد سابقه دیرین دموکراسی (مانند تایوان) را در نظر داشته است. با وجود این، دست‌کاری عنوان، صفحه‌آرایی، اندازه قلم (که به نظر می‌رسد برای یک کتاب درسی کوچک است) و طرح روی جلد روشن می‌کند که انتشارات دنیای اقتصاد

نقد کتاب دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی ۳۳

به دنبال عرضه کتاب به علاقه‌مندان اقتصاد بازار و سیاست مدرن بوده است و احتمالاً آن‌ها فقط قادر به مطالعه چند فصل اول خواهند بود. این موضوع موجب می‌شود که کتاب نتواند خوانندگان واقعی خود را پیدا کند.

در ابتدای هر فصل اهداف فصل به صورت مقدمه آورده شده است، اما این مقدمه‌ها آن قدر تفصیلی می‌شوند که مانع از آن می‌شوند که خواننده با ذهن روشن تری به مطالعه آن فصل پردازد. مناسب بود در آخر هر فصل، تعدادی سؤال و تمرین برای فصل آورده می‌شد.

پیش‌گفتار کتاب در حدود دو صفحه است و مطلب چندانی ندارد و از غرض مترجم یا ناشر در انتخاب این اثر به‌ویژه چرایی ترجمه دوباره آن سخنی نگفته است. بخشی از همین حجم اندک هم به کمک فقط نقد کتاب به زبان انگلیسی (Lopez 2006) نوشته شده و بخشی هم به سپاس‌گزاری اختصاص دارد.

افزون‌براین، کتاب فاقد معادل لاتین اصطلاحات تخصصی یا مهم در پانویس است. البته، تلاش شده است تا در واژه‌نامه این نقصان جبران شود، اما واژه‌نامه موجود انگلیسی به فارسی است بنابراین، به خواننده برای پیدا کردن معادل انگلیسی واژه مورد نیاز خود کمک چندانی نمی‌کند. برای چاپ‌های بعد، اضافه کردن واژه‌نامه فارسی به انگلیسی لازم است.

نمودارها و شکل‌ها به هم‌ریختگی دارد و در مواردی نمادها با آنچه در متن آمده است تطابق ندارد؛ مثلاً q^* در متن به صورت xq آمده است.

۳.۴ نقد دیدگاه نویسنده

از ویژگی‌های مطلوب کتاب پوشش بسیار متنوع مطالب و موضوعات بخش عمومی به هم‌راه مثال‌های تاریخی است که موضوع را برای خواننده ملموس‌تر می‌کند و در بین کتب موجود دیده نمی‌شود. هم‌چنین، به مباحث جدید این حوزه نیز اشاره شده است (برای مثال، بنگرید به ص ۸۴). با وجود این، در عین اتقان متن به لحاظ علمی، نقدهای چندی به نویسنده وارد است که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. برخی اوقات به نظر می‌رسد که نویسنده به دفاع ایدئولوژیک و افراطی از بازار آزاد می‌پردازد و آن را بهترین نظامی که تاکنون بشر توانسته است به وجود آورد، با قبول همه نقاط ضعف آن مثلاً عدم امکان برقراری نظامی که در آن صاحب‌منصبان نتوانند از

امکانات تحت اختیارشان در مبارزات انتخاباتی استفاده کنند (ص ۱۱۵)، می‌داند و درخواست نکردن آن از سوی مردم برخی کشورها را برخاسته از ناآگاهی آن‌ها از منافع این نظام، که منجر به تولید ثروت برای کل جامعه خواهد شد، می‌داند (ص ۳۰-۳۱) و برای این کار با دست‌کم گرفتن نقدهای وارد به این نوع نظام بدان‌ها پاسخ‌های سطحی و جانب‌دارانه می‌دهد. برای مثال، در صفحه ۶۷ در پاسخ به نقد آزادی‌های بسیار زیاد علیه نظام مالکیت خصوصی، با آن‌که اذعان می‌کند علم اقتصاد در مورد خوب‌بودن و بدبودن کالاها از جنبه اخلاقی حرفی برای گفتن ندارد، با بردن پاسخ روی مواد مخدر و آسیب‌های زیاد ممنوعیت آن تلویحاً از این نوع آزادی‌ها دفاع می‌کند؛

۲. نویسنده در خلال کل مباحث یک پیش‌فرض اساسی را دنبال کرده است و آن این‌که دولت نه‌تنها در اصلاح شکست‌های بازار کارآمد نیست، با شکست‌هایی پرهزینه‌تر مواجه است. جالب است که برای توضیح ساده شکست بازار در فصل دوم از مثال زه‌کشی مرتع هیوم استفاده می‌شود. در این مثال، هرچند زه‌کشی مرتع می‌تواند منفعتی بیش از هزینه‌ها در پی داشته باشد، سواری مجانی مانع از زه‌کشی مرتع می‌شود و بازار در تدارک آن شکست می‌خورد. پیش‌نهاد هیوم ورود دولت و اخذ مالیات برای تأمین مالی زه‌کشی است. استفاده نگارنده از این مثال بسیار زیرکانه است و در ادامه فصل به‌کرات راه‌حل‌های خصوصی کارآمدتر از مداخله دولت را یادآور می‌شود و به‌درستی انواع شکست‌های دولت در تدارک بهینه زه‌کشی را برمی‌شمارد، اما باید توجه داشت که پررنگ کردن شکست‌های دولت نباید به کم‌رنگ شدن یا حتی بی‌توجهی به شکست‌های بازار بینجامد، چه در این صورت کتاب بیش‌تر شبیه به یک مانیفست می‌شود تا یک اثر علمی؛

۳. نویسنده به‌دفعات سعی می‌کند تا به نقدهای مالکیت خصوصی پاسخ دهد، اما در طرح انتقادات آن‌قدر نقد را سخیف مطرح می‌کند که چندان هم نیازمند پاسخ نیست. مثلاً، در پاسخ به نقد «آزادی‌های بسیار زیاد» به این نتیجه می‌رسد که «آزادکردن استفاده از مواد مخدر ممکن است گزینه کم‌ضررتری باشد، حتی برای آن‌هایی که مواد مخدر و مصرف آن را ناخوش‌آیند تلقی می‌کنند» (ص ۶۸)؛

۴. نویسنده با تعریف علم در حوزه هست‌ها مدعی است که اخلاق‌زدایی از سیاست به علمی‌شده آن انجامیده است، درحالی‌که محققان متعددی معترف‌اند که رفتارهای حوزه سیاسی را صرفاً با مدل‌های مبتنی بر نفع شخصی‌طلبی نمی‌توان توضیح داد و پیوندهای اخلاق و اقتصاد رو به رواج است؛

۵. نویسنده در فصل چهارم، برخلاف فحولی نظیر بوکانان، با رد وجود منافع ملی و منافع جمعی، پای‌بندی خود را به فردگرایی روش‌شناختی انتخاب عمومی نشان می‌دهد. «اجتماع نمی‌تواند تصمیم بگیرد و نمی‌تواند منافع داشته باشد. این امر در مورد ملت و جامعه هم صدق می‌کند. فقط افراد می‌توانند منافع داشته باشند» (ص ۱۰۰). حال آن‌که فردگرایی روش‌شناختی به‌تنهایی قادر نیست واقعیت‌های زندگی اجتماعی و سیاسی را تبیین کند؛

۶. نویسنده برای پوشش دادن طیف بیش‌تری از مخاطبان قرار را بر عدم استفاده از نمودارها و معادلات می‌گذارد، اما به‌نظر می‌رسد که در این زمینه مرتکب اشتباه شده باشد، زیرا این کتاب، به‌جز چند فصل اول، صرفاً برای افراد اقتصادخوانده قابل استفاده است که آن‌ها نیز با نمودار بهتر مطالب را درک می‌کنند و خود نویسنده نیز اذعان می‌کند که این کتاب یک کتاب درسی است. با وجود این، برخی اوقات از این قاعده به‌ناچار عدول می‌کند و از تعدادی نمودار استفاده می‌کند؛

۷. نویسنده در دوگان‌ساختگی استبداد - دموکراسی^۵ فواید دموکراسی و مضرات آن را گفته و با استبداد مقایسه کرده است. برای مثال، در فصل اول، با ارجاع به هریک از این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که «دموکراسی یکی از آن ارزش‌های منفی سراسر عظمت است که با پیش‌گیری‌های بهداشتی در مقابل طاعون قابل مقایسه است، به این معنی که وقتی کارآمد است، چیزی از آن نمی‌دانیم، اما فقدان آن‌ها می‌تواند مرگ‌بار باشد» (ص ۴۲)، در حالی که راه‌حل‌های دیگری در خود مکتب انتخاب عمومی نیز ارائه شده است. برای مثال، استروم، برنده جایزه نوبل ۲۰۰۸ م در اقتصاد و سردبیر سابق مجله انتخاب عمومی، نظام‌های چند مرکزی را برای تدبیر امور عمومی کارآمدتر یافته است (Ostrom 2010)؛

۸. نویسنده تفکر دیوان‌سالار حامی منافع عمومی را رو به افول می‌داند و بیش‌تر مرتبط با حکومت‌های استبدادی قلمداد می‌کند و نتیجه می‌گیرد «از آن‌جاکه قبل از ظهور دموکراسی، برای هزاران سال حکومت استبدادی شکل رایج حکومت بود، نباید از عمومی بودن چنین تفکری تعجب کرد» (ص ۳۶۵). هرچند این دیدگاه با فردگرایی روش‌شناختی و انکار وجود منافع ملی سازگاری دارد، با واقعیت‌های دنیای مدرن نیز تناقضاتی دارد.

۴.۴ نقد علمی کتاب

نظریه انتخاب عمومی از جنبه‌های مختلفی مورد نقد قرار گرفته است که مختص کتاب حاضر نیست. از جمله، فرض نفع‌طلبی شخصی سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان یا تقلیل فلسفه وجودی دولت به جبران شکست بازار. با وجود این، به‌نظر می‌رسد که خوب است در

ترجمه‌های بعد به این نقدها در پانوشتها توجه شود تا خوانندگان مقهور آنها نشوند؛ از آن جمله است:

۱. اگر بپذیریم که انتخاب عمومی می‌تواند به مردم و سیاست‌مداران در یافتن مقاصد واقعی بخشی از سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان کمک کند، این بینش را نیز می‌دهد که در نظام بین‌الملل کشورهای ضعیف راهی برای دفاع از منافع خود ندارند، زیرا باید فرض دیگرخواه بودن رهبران کشورها را به‌ویژه در قبال کشورهای ضعیف کنار گذاشت و دوم کشورهای بزرگ علیه منافع کشورهای کوچک، به‌ویژه کشورهای غیراقماری خود، باهم تبانی می‌کنند؛

۲. از مشکلات اصلی این کتاب و همه کتاب‌های بخش عمومی آن است که با توجه به استبداد دینی در قرون وسطا و نظام کاملاً سکولار فعلی کشورهای غربی نوشته شده‌اند. تجربه حکومت‌های دینی در صدر اسلام را به‌منزله تجربه‌ای برای آزمون این نظریه‌ها می‌توان استفاده کرد. به همین ترتیب، طبق دوگانه دموکراسی - استبداد، که نوع ایدئال دموکراسی نیز تلویحاً سکولار فرض می‌شود، مردم‌سالاری دینی نوعی استبداد شمرده می‌شود. هم‌چنین، فضای کتاب و اشاره نکردن به امکان وجود سایر اشکال حکومتی مطلوب ذهن خواننده را از تفکر در این باره بازمی‌دارد؛

۳. مشکلی که در انتخاب عمومی وجود دارد نگاه کاملاً اقتصادی به فلسفه وجودی دولت است. این نگاه در صفحه ۹۰ به‌خوبی بیان شده است: «در این بخش استفاده از کارگزاران را در دو حالت مقایسه می‌کنیم: شخصی که می‌خواهد از بازار خصوصی خانه‌ای بخرد و اجتماعی که در پی خرید دفاع ملی است»؛

۴. یکی از انتقاداتی که نظریه انتخاب عمومی با آن مواجه است تبدیل آرا به پول است. در نهایت، انتخاب عمومی به این نتیجه می‌رسد که «یک دلار = یک رأی»، درحالی‌که دموکراسی قرار بود براساس ایده «یک نفر = یک رأی» بنا شود. علت این مشکل آن است که سیاست نیز به یک بازار تبدیل شده و با معیار کارایی سنجیده می‌شود؛ یعنی انتخاب عمومی به دنبال حداکثر کارایی در نظام سیاسی است. بنابراین، شکست بازار از لحاظ عدالت به‌طور مضاعف متوجه بازار سیاست نیز می‌شود، چراکه نظام سیاسی دراصل در خدمت اقتصاد قرار می‌گیرد؛

۵. مطالعه کتاب برای کسانی که به دنبال فهم سازوکارهای واقعی یک دموکراسی‌اند کاملاً لازم است و کتابی با این حد از جزئیات در زبان فارسی نیست. البته، همواره باید توجه داشت که برای نظریه تقدس قائل نشد (چنان‌که برخی اندیشمندان امروز ایران توسعه را

ترجمان امروزی تقوا دانسته‌اند)، بلکه همواره باید یک نظریه را در بستر نهادی آن فهم کنیم. با عوض شدن بستر نهادی نظریات نیز عوض می‌شوند. برخلاف مثلاً هیئت بطلمیوسی و کپرنیکی، که با وجود فاصله دوهزارساله، برای جهان فیزیکی ساخته شده بودند، قدرت تبیینی آن‌ها قابل مقایسه است، اما نظریات علوم انسانی در صورتی کاملاً قابل مقایسه‌اند که برای یک محیط ارائه شده باشند. هم‌چنین نویسنده در فصول مختلف اشاره می‌کند که نظریه‌های انتخاب عمومی برای اقتصادهای بازار آزاد و مبتنی بر دموکراسی کار می‌کند و برای نظام‌های پیش‌سرمایه‌داری کاملاً کاربردی نیست و به همین ترتیب برای نظام‌هایی که بعد از آن و به‌عنوان بدیل آن (مثلاً مردم‌سالاری دینی) ممکن است یا به صحنه بگذارند نیز به‌طور درستی کاربردی نخواهد بود. هرچند در برخی جنبه‌ها ممکن است که تبیین‌های مشابهی داشته باشند؛ مثلاً در صورت به‌کارگیری نظام نمایندگی.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب ساده و روان و جامع [فهم] دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی برای علاقه‌مندان به حوزه اقتصاد سیاسی شروع خوبی است. شاید در کم‌تر کتاب انتخاب عمومی به‌صراحت پیش‌فرض‌های انتخاب عمومی ارائه شده باشند. این مهم با فاصله‌گرفتن نویسنده از زبان ریاضی و اصطلاحات فنی اقتصاددانان ممکن شده است. هرچند تفهیم توصیفی برخی از مطالب بدون الگوسازی ریاضی سخت شده است. طرح سؤالات بنیادین در این کتاب فرصت خوبی است تا منتقدان انتخاب عمومی را نقد عالمانه کنند و روشن‌فکران ایرانی الگوهای بومی و مبتنی بر آموزه‌های دینی را برای حل مشکلات دیوان‌سالاری ایران پیش‌نهاد دهند.

اما کتاب برای چاپ‌های بعدی به غلط‌گیری، بازبینی ترجمه، الحاق بخش منابع، و ویرایش برخی جملات در جهت روان‌سازی بیش‌تر نیاز دارد. با توجه به ترجمه دیگری از این کتاب پیش‌نهاد می‌شود که با کسب اجازه از مترجمان ترجمه اول این دو ترجمه با یک‌دیگر تطبیق داده شوند و متنی یک‌دست‌تر و دارای اشتباه کم‌تر به بازار نشر عرضه شود. هم‌چنین، اندازه قلم کتاب باید بزرگ‌تر و فاصله بین خطوط بیش‌تر شود تا کتاب بیش‌تر در قالب یک کتاب درسی درآید.

نکته آخر آن‌که باید توجه داشت که ترجمه این کتاب‌ها گامی به جلو است، اما با توجه به تفاوت‌های بنیادی بین دموکراسی و مردم‌سالاری دینی، این مکتب قادر به لحاظ‌کردن تفاوت‌ها نخواهد بود و از این نظر، نظریه‌پردازی اصیل در این حوزه ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

1. *An Economic Approach to Social Interaction and Institutions.*

۲. در این مقاله در مواردی که به متن ترجمه کتاب ارجاع داده شده فقط شماره صفحه آمده، اما در مورد سایر منابع اصول ارجاع‌دهی رعایت شده است.

۳. البته این گفته وی را باید در بستر و محیط شکل‌گیری و انتشار کتاب یعنی جنوب شرق آسیا درک کرد، نه به‌عنوان یک قانون کلی، چراکه کشورهایی چون فرانسه نیز مدعی داشتن سابقه تاریخی در دموکراسی‌اند.

۴. این نحوه استدلال بسیار شبیه مکانیزم انتخاب و خرید کالا (مثلاً گلابی) در بازار است!

کتاب‌نامه

- باتلر، ایمون (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*، ترجمه بردیا گرشاسبی، تهران: سارگل.
- تمدن، محمدحسین (۱۳۸۹)، *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- جمسی، یوسف، محمد قاسمی، و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، *مباحثی در باب نظریه انتخاب عمومی؛ دیدگاه نهادی به سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سرزعی، علی (۱۳۸۹)، *تحلیل اقتصادی سیاست؛ درآمدی بر انتخاب عمومی*، تهران: آثار اندیشه.
- کالیز، جان و فیلیپ جونز (۱۳۸۸)، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران و آرش اسلامی و علی چشمی، تهران: سمت.
- گانینگ، جان پاتریک (۱۳۹۳)، *دموکراسی؛ مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*، ترجمه حسین ربیعی، تهران: دنیای اقتصاد.
- گانینگ، جیمز پاتریک (۱۳۸۴)، *درک دموکراسی: رویکردی بر انتخاب عمومی؛ تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی*، ترجمه محسن رنانی و محمد خضری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- مولر، دنیس (۱۳۹۵)، *انتخاب عمومی؛ تحلیل اقتصادی قواعد بازی اجتماعی از دیکتاتوری تا دموکراسی*، گروه مترجمان، زیر نظر محسن رنانی، تهران: نشر نور علم.

Gunning, J. Patrick (2003), *Understanding Democracy: An Introduction to Public Choice*, Taiwan: Nomad Press.

Lopez, Edward J. (2006), "Book Review, Understanding Democracy: An Introduction to Public Choice", *Public Choice*, no.130.

Ostrom, Elinor (2010), "Beyond Markets and States: Polycentric Governance of Complex Economic Systems", *American Economic Review*, vol. 100, no. 3.